



این شماره تقدیم می‌شود به ساحت

شهید دکتر
مرتضی علم‌خواه

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۷۹
دوشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

کیسه هوای در حال تخلیه

چرا ذخایر استراتژیک نفت درمان بحران هرگز نیست؟

♦ | در حالی که تنش‌ها در خلیج فارس به نقطه جوش رسیده و تردد در تنگه هرمز عملاً با اختلال مواجه شده است، نگاه جهان به ذخایر استراتژیک نفت (SPR) دوخته شده است. این ذخایر، که میراث بحران نفتی ۱۹۷۳ هستند، امروز در خط مقدم مدیریت بزرگترین شوک عرضه تاریخ قرار دارند. اما تحلیل عددی این ظرفیت‌ها نشان می‌دهد که ما با یک مسکن موقت روبه‌رو هستیم، نه یک درمان استراتژیک. حقیقت این است که ذخایر جهانی، توان جایگزینی ۲۰ میلیون بشکه در روز نفت عبوری از هرمز را برای بیش از چند هفته ندارند. تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) با الزام نگهداری حداقل ۹۰ روز واردات خالص، برای مقابله با شوک‌های مقطعی طراحی شده بود. امروز، مجموع ذخایر دولتی اعضای IEA حدود ۱.۲ میلیارد بشکه است که با احتساب ذخایر خصوصی، به حدود ۱.۸ میلیارد بشکه می‌رسد. این عدد در نگاه اول بزرگ به نظر می‌رسد، اما وقتی در مخرج کسر ۲۰ میلیون

بشکه در روز قرار می‌گیرد، معنای متفاوتی پیدا می‌کند. ایالات متحده به عنوان بزرگترین قدرت دارنده ذخایر، امروز در موقعیت متزلزلی قرار دارد. ظرفیت اسمی ۷۲۷ میلیون بشکه‌ای SPR، اکنون به حدود ۳۹۸ میلیون بشکه (معادل ۱۲.۵ روز واردات خالص) کاهش یافته است. این یعنی کیسه هوای آمریکا در بحران فعلی، بخش بزرگی از یاد خود را پیش از وقوع حادثه اصلی از دست داده است. نکته فنی مهم، نرخ تزریق است. حداکثر توان تخلیه SPR آمریکا حدود ۲ میلیون بشکه در روز است؛ عددی که حتی ۱۰ درصد حجم روزانه عبوری از هرمز را نیز پوشش نمی‌دهد. در سوی دیگر، تضاد فاحشی در امنیت انرژی آسیا دیده می‌شود. ژاپن با ۲۵۴ روز و کره جنوبی با ۲۰۸ روز ذخیره، در حاشیه امنیت بالایی هستند، اما هند، سومین مصرف‌کننده بزرگ نفت، تنها با ۴۵ روز ذخیره، در معرض یک فروپاشی عرضه قرار دارد.

محدودیت زیرساختی است. حتی اگر اراده سیاسی برای آزادسازی وجود داشته باشد، سیستم‌های پمپاژ، خطوط لوله و بنادر صادراتی، ظرفیت انتقال روزانه کلی ذخایر را ندارند. در واقع، ما با یک فنر فشرده روبه‌رو هستیم که ذخایر استراتژیک، تنها می‌تواند فشار اولیه‌ی آن را بگیرد. در تحلیل نهایی، باید این استعاره را پذیرفت: ذخایر استراتژیک نفت، حکم کیسه هوای ماشین را دارند؛ جان شما را در تصادف اول نجات می‌دهند، اما اگر تصادف دوم بلافاصله پس از آن رخ دهد، کیسه‌ای برای باز شدن باقی نمانده است. بحران فعلی تنگه هرمز، یک تصادف معمولی نیست؛ یک برخورد زنجیره‌ای بی‌پایان است. تکیه بر ذخایر بدون حل ریشه‌ای تنش‌های منطقه‌ای، تنها به معنای خریدن زمان برای یک سقوط اجتناب‌ناپذیر است. وقتی کیسه هوا خالی شود، تنها چیزی که باقی می‌ماند، واقعیت عریان کمبود انرژی و هزینه‌های اقتصادی سرسام‌آور آن است. ♦

ویتنام با تنها ۲۰ روز ذخیره، عملاً فاقد هرگونه عمق استراتژیک در برابر یک درگیری طولانی‌مدت است. این توزیع نابرابر، نشان می‌دهد که در صورت تداوم انسداد، اقتصادهای نوظهور آسیایی اولین قربانیان کمبود فیزیکی خواهند بود. اروپا، علیرغم استانداردهای بالای ذخیره‌سازی (آلمان ۱۳۰ روز، فرانسه ۱۱۷ روز)، با چالش توان عملیاتی روبه‌روست. تجربه نیوزلند که تعهد ۹۰ روزه IEA را به ۶ روز واقعی تبدیل کرده، نشان می‌دهد که در بحران‌های واقعی، توان فنی آزادسازی اغلب از تعهد روی کاغذ کمتر است. واکنش اضطراری ۱۱ مارس ۲۰۲۶، یعنی آزادسازی ۴۰۰ میلیون بشکه نفت (۱۷۲ میلیون سهم آمریکا و ۸۰ میلیون سهم ژاپن)، بزرگترین اقدام در تاریخ IEA است. اما این رقم، تنها حدود ۲۰ روز از عرضه هرمز را پوشش می‌دهد. اگر تنگه برای چند ماه بسته بماند، این منابع به سرعت تبخیر می‌شوند. خطر اصلی، نه فقط در حجم موجودی، بلکه در

سیاست‌گذاری انرژی

تمرکززدایی در مدیریت انرژی؛ آغاز «حکمرانی استانی» بر مصرف سوخت

نتیجه سال‌ها تصمیم‌گیری بدون پشتوانه کارشناسی است و استمرار روند هدررفت منابع «دیگر ممکن نیست». پیام ضمنی این موضع‌گیری، ورود دولت به مرحله‌ای است که باید میان اصلاحات ساختاری پرهزینه یا تداوم وضعیتی که «فاجعه‌بار» خوانده شده، انتخاب کند. این تغییر رویکرد می‌تواند به معنای عبور از سیاست‌های صرفاً ملی/بخشی به سمت مدیریت محلی مصرف و ابزارهای اجرایی نزدیک‌تر به میدان (حمل‌ونقل شهری، شبکه توزیع، الگوی مصرف خانوار) باشد.

طرح جدید دولت برای واگذاری اختیارات مدیریت مصرف بنزین و گاز به استان‌ها وارد فاز اجرایی شده است. اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، از برنامه تمرکززدایی خبر داده که در آن استانداری‌ها، شهرداری‌ها و بخش خصوصی در مدیریت مصرف و کنترل ناترازی نقش مستقیم‌تری می‌گیرند. او با توصیف شرایط کشور به عنوان «جنگ تمام‌عیار اقتصادی و زیرساختی»، تأکید کرده ناترازی فعلی

بازار نفت

پارادوکس بازار جهانی نفت؛ کاهش صادرات عربستان، تنگنای عرضه و جهش درآمد روسیه

تقاضا باشد؛ سیگنالی که به‌طور معمول به معنی شکننده شدن بازار در برابر شوک‌های ژئوپلیتیک است. محاسبات رویترز نشان می‌دهد درآمدهای صادرات نفت و گاز روسیه در ماه مه به‌صورت سالانه ۳۹ درصد افزایش خواهد یافت. در عین حال، رویترز اشاره می‌کند که درآمد ماهانه روسیه ممکن است به دلیل پرداخت‌های دوره‌ای مالیات بر سود حدود ۱۷ درصد نسبت به آوریل کاهش پیدا کند. در بودجه ۲۰۲۶ روسیه، درآمد نفت و گاز ۸.۹۲ تریلیون روبل پیش‌بینی شده و کل درآمد بودجه سال جاری ۴۰.۲۸۳ تریلیون روبل در نظر گرفته شده است؛ اعدادی که نشان می‌دهد کرملین همچنان «انرژی» را ستون اصلی تعادل مالی خود می‌بیند حتی در شرایط پریسک بازار جهانی.

هم‌زمان با تشدید نااطمینانی‌ها در بازار انرژی، چند شاخص کلیدی تصویری متناقض اما معنادار از سمت عرضه نشان می‌دهد:

داده‌های جودی (JODI) نشان می‌دهد صادرات نفت خام عربستان در ماه مارس به ۴ میلیون و ۹۷۴ هزار بشکه در روز سقوط کرده؛ پایین‌ترین سطح ثبت‌شده از ژانویه ۲۰۰۲. علاوه بر آن، مقدار بهره‌گیری از ظرفیت پالایشگاه‌های دولتی عربستان نیز با کاهش ۷۶۴ هزار بشکه‌ای نسبت به فوریه به ۲ میلیون و ۲۶۶ هزار بشکه در روز رسیده است. این ارقام در حالی منتشر می‌شود که آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) با وجود کاهش پیش‌بینی رشد تقاضا، برآورد قبلی خود از مازاد عرضه را تعدیل کرده و اکنون انتظار دارد عرضه جهانی در سال جاری کمتر از

ژئوپلیتیک انرژی

هرمز در قالب یک سیستم جدید؛ صف ۲۴۰ کشتی و عبور بامجاز ایران

الجزیره با استناد به تصاویر ماهواره‌ای اعلام کرده حدود ۲۴۰ کشتی در آب‌های خلیج فارس، درست پشت خط مرزی که ایران به عنوان منطقه تحت کنترل خود تعیین کرده، تجمع کرده‌اند. این داده اگر دقیق باشد، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک صف لجستیکی است که می‌تواند به موج جدیدی از افزایش کرایه حمل، تأخیر تحویل و رشد هزینه بیمه منجر شود. در ادامه، نیروی دریایی سپاه اعلام کرده طی شبانه‌روز گذشته ۲۵ فرود کشتی (نفتکش، کانتینربر و سایر شناورهای تجاری) پس از کسب مجوز و با هماهنگی و تأمین امنیت این نیرو از تنگه عبور کرده‌اند. این گزاره، باز بودن محدود را جایگزین مفهوم باز/بسته بودن مطلق می‌کند و نشان می‌دهد بازار با یک نظم جدید مواجه است: عبور ممکن است، اما تحت قواعد ایران.

گزارش‌ها از خلیج فارس نشان می‌دهد مدیریت تنگه هرمز از وضعیت بحران‌محور به یک الگوی سامانه‌ای نزدیک شده است؛ الگویی که در آن عبور کشتی‌ها به شکل آشکار به مجوز، هماهنگی و کنترل عملیاتی ایران وابسته شده است.

به گزارش رویترز، ایران کلانتر هرمز است. طبق گزارش رویترز، ایران برای کشتی‌های عبوری سیستم هزینه امنیتی و ناوبری اجرا کرده که شامل بازرسی، مسیرهای اجباری و محدودیت‌های دریایی است. رویترز می‌گوید برخی کشتی‌ها برای عبور باید چند روز منتظر بمانند و آمریکا هشدار داده که پرداخت این هزینه‌ها به ایران می‌تواند در حکم نقض تحریم‌ها تلقی شود. این نقطه، محل تلاقی نیاز بازار به عبور با ریسک حقوقی-تحریمی است؛ وضعیتی که هزینه مبادله را بالا می‌برد و بازار را عصبی‌تر می‌کند.